فصل‌نامه مطالعات اقتصاد انرژی/ سال هفدهم / شماره ۶۹/ تابستان ۱۴۰۰/ صفحات ۲۵۰-۲۲۳

بررسی شیوه خاص حل و فصل اختلاف در قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید و اثر آن در جذب سرمایه‌گذاری

محمدرضا نوردیده[۱]

دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس دانشگاه تهران، Nouredieh@gmail.com

رضا طجرلو

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران، rtajarlou@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

چکیده

یکی از موضوعات اساسی در کشور، بهینه‌سازی مصرف انرژی است. به موازات ابلاغ قانون رفع موانع تولید برخی شرکت‌های دولتی از جمله بهینه‌سازی مصرف سوخت مأموریت یافتند به‌منظور مشارکت بخش خصوصی (شرکت خدمات انرژی[۲]) در اجرای طرح‌های ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر اقدام نمایند. بر این اساس و به‌منظور اجرایی نمودن طرح‌ها و برنامه‌های صرفه‌جویی انرژی در نظام حقوقی داخلی ایران، مقررات ویژه‌ای برای تدوین قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر شناسایی شده است. در چنین شرایطی، احتمال بروز اختلاف نظر یا دعوای حقوقی، قراردادی و فنی فیمابین بخش خصوصی و بخش دولتی افزایش می‌یابد که مراجعه به شیوه‌های متداول حل اختلافات نظیر داوری یا دادگاه، پاسخگو نیستند و دستاندرکاران را بر آن داشت تا از شیوه جدیدی همچون ارجاع به ناظر دارای شرایط رفع اختلافات بنیادی استفاده کنند؛ این شیوه می‌تواند منجر به کاهش هزینه و زمان تصمیم‌گیری گردیده و رغبت سرمایه‌گذار را به سرمایه‌گذاری در این حوزه، به نحو چشمگیری، افزایش دهد. این مقاله به واکاوی ساز و کار اجرایی نحوه اجرا و انجام روش حل مسالمت‌آمیز اختلافات پرداخته است.

طبقه‌بندی JEL: K11, K12, K16, L24, N2

کلید واژه‌ها: ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، شیوه‌های حل و فصل اختلافات، شرکت خدمات انرژی، ارجاع اختلاف به ناظر

---

۱. نویسنده مسئول

2. Energy Service Company

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

۱- مقدمه

استفاده از مکانیزه‌های نوین (جدید) در صرفه‌جویی، یکی از راهکارهای ایجاد رونق کسب و کار، اشتغال‌زایی و در عین حال، فعال‌سازی پتانسیل‌های صرفه‌جویی انرژی محسوب می‌شود. در این میان توسعه مکانیزم شرکت‌های خدمات انرژی و استفاده از سرمایه‌های موجود در حوزه بهینه‌سازی مصرف، می‌تواند کمک شایانی به بهبود شرایط کسب و کار بخش انرژی نماید. این مکانیزم، مدت زمانی است که در کشورهای پیشرفت صنعتی دنیا از جمله ژاپن، آمریکا، انگلیس، آلمان در حال اجرا است. در این شرایط عقد قراردادهای مبتنی بر کارایی انرژی آن چنان که باید و شاید هنوز عملیاتی نگردیده است و این امر نیاز به محک زدن و رفع موانع موجود در اجرای آن دارد. در این راستا، ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور[۱]، بستر مناسبی را به‌منظور به‌کارگیری قراردادهای صرفه‌جویی انرژی و جذب سرمایه در این حوزه فراهم آورده است.

هدف از این تحقیق در حقوق ایران، در وهله نخست آشنایی با مبانی حقوقی این نوع قراردادها، شناخت مسائل شکلی، معایب و محاسن آن و در ادامه، ارزیابی نحوه به‌کارگیری شیوه نوینی در راستای حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان چشم‌انداز روشنی از وضعیت موجود و ناشی از به‌کارگیری این نوع قراردادها را ترسیم نمود و سپس با تجزیه و تحلیل کاستی‌ها و اشکالات (وضع موجود)، پیشنهادهایی برای رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه نمود. مسئله بنیادین در تحقیق حاضر، این خواهد بود که به‌کارگیری شیوه

۱. به کلیه وزارتخانه‌ها به‌ویژه نفت و نیرو و شرکتهای تابعه و وابسته به آنها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و کلیه دارندگان عنوان و ردیف در قوانین بودجه کل کشور اجازه داده می‌شود سالانه تا سقف یکصد میلیارد دلار به‌صورت ارزی و پانصدهزار میلیارد ریال به‌صورت ریالی که هر ساله تا سقف نرخ تورم سال قبل تعدیل می‌گردد، درموارد مربوط به بندهای ذیل این ماده که سرمایه‌گذاری یا اقدام اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی یا داخلی با اولویت بخش‌های خصوصی یا تعاونی به تولید، صادرات، ارتقای کیفیت، صرفه‌جویی یا کاهش هزینه در تولید کالا یا خدمت و زمان و بهبود کیفیت محیط زیست و یا کاهش تلفات جانی و مالی می‌انجامد برای نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و کالاها و خدمات قابل صادرات یا واردات به قیمتهای صادراتی یا وارداتی به نرخ روز ارز بازار آزاد یا معادل ریالی آن با احتساب حقوق دولتی و عوارض قانونی و سایر هزینه‌های متعلقه و برای سایر موارد با قیمت‌های غیریارانه‌ای با احتساب حقوق دولتی و عوارض قانونی و سایر هزینه‌های متعلقه قرارداد منعقد کنند.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

نوین حل و فصل بنیادی اختلافات در قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر از طریق ناظر قرارداد، با توجه به جدید بودن این موضوع و عدم وجود منابع اطلاعاتی کافی، با چه چالش‌هایی مواجه است. امید می‌رود که یافته‌های پژوهش حاضر، در کارآمدی هرچه بیشتر، جذب سرمایه در این حوزه، مورد استفاده قرار گیرد. فرض اصلی این است که اصطلاح قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر در نظام حقوقی ایران، به اشکال متفاوت روابط قراردادی فیمابین شرکت‌های خدمات انرژی و بخش عمومی فعال در حوزه صنعت انرژی، اطلاق می‌شود که هدف از آن کاهش مصرف انرژی است؛ بنابراین، قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، به نوعی مشارکت قراردادی فیمابین بخش دولتی و بخش خصوصی گفته می‌شود. فرآیند اجرای پروژه‌های شرکت‌های خدمات انرژی و ارائه تأمین مالی توسط آنها و حسب شرایط مصوب در ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، شامل ممیزی انرژی با هدف سرمایه‌گذاری، تعیین روش‌های امکان‌پذیر برای بهینه‌سازی مصرف انرژی، تعریف پروژه، تضمین نتایج اجرای اقدامات بهینه‌سازی، تضمین و رعایت مقررات و استانداردها، تهیه تجهیزات و نصب آنها، مدیریت پروژه، تعمیر و نگهداری تجهیزات در طول مدت قرارداد، اندازه‌گیری میزان صرفه‌جویی به‌طور پیوسته و طرق تأمین منابع مالی آنها می‌باشد و به‌طور فزاینده متداول شده است.

تاکنون مطالعات فراوانی در زمینه شیوه‌های حل و فصل اختلافات و خارج از دادگاه انجام گرفته است. درویشی (۱۳۹۰) به تفصیل به بررسی نهاد میانجی‌گری از داوری و سازش پرداخته است. منظور و همکاران (۱۳۹۷) نیز به تحقیق در زمینه قراردادهای خدمت و مشارکت در تولید و مقایسه آن‌ها با عقد معین جعاله، تلاش نموده است تا جهات تطبیق آنها را به چالش کشد و نهایتاً نتیجه گرفته است که هیچ یک از عقود معین را نمی‌توان کاملاً با قراردادهای جدیدالتأسیس در حوزه صنعت و نفت نمود. همچنین، شیروی و همکار (۱۳۹۷)، به ترسیم شیوه نوینی از روش‌های حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه تحت عنوان شبه دادرسی پرداخته و آن را از شیوه‌های دیگر چون داوری، میانجی‌گری، سازش تفکیک نموده است. در تحقیق دیگری توسط ارفع نیا (۱۳۹۷)، روش‌های داوری و دادگاه که بر مبنای اصول حقوقی محض و تفکیک بدون ملاحظه و بدون انعطاف حق از ناحق عمل می‌کنند به‌عنوان نقطه پایانی بر همکاری‌های

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

تجاری تلقی گردیده و مناسب‌ترین گزینه برای حل و فصل اختلافات در عین حفظ روابط و منافع تجاری، روش‌های جایگزین مسالمت‌آمیز با حالت برد – برد معرفی شده‌اند و در تحقیق پیشرو، تلاش شده تا روش دیگری و خاص عقود ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر از طریق ناظر قرارداد که با توسل بر تجربیات پژوهشگر و به‌طور کاربردی، در این حوزه موفقیت‌آمیز بوده، جهت بهره‌برداری سایر پژوهشگران، تشریح گردد.

انجام این پژوهش در دو مرحله صورت خواهد گرفت و در هر مرحله نیز مناسب با موضوع از روش تحقیق مختص آن استفاده خواهد شد. در مرحله اول شناسایی مفاهیم و مبانی مکانیسم‌های مختلف برای دستیابی به کارایی انرژی و اهداف زیست‌محیطی و در مرحله دوم، به تحلیل شیوه حل و فصل اختلاف از طریق ناظر قراردادی، در این نوع قراردادها پرداخته می‌شود؛ بنابراین روش تحقیق، در این پژوهش تحلیلی و توصیفی و بعضاً سندکاوی و مشاهده اسناد و مدارک حقوقی خواهد بود و عمدتاً با استفاده از منابع اسناد و کتابخانه‌ای مطالب گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شود که می‌تواند مورد استفاده مراجع ذیصلاح اجرایی و متخصصان حقوقی قرار گیرد. لذا این پژوهش علاوه بر جنبه‌های نظری، خصوصیات کاربردی نیز خواهد داشت.

۱- مروری بر ساز و کارهای مبتنی بر بازار بهینه‌سازی انرژی

کلیات

ایران در فهرست کشورهای دارای بیشترین انتشار دی اکسیدکربن به جو قرار دارد و در میان تولیدکنندگان نفت و گاز، شدت انرژی اقتصاد ایران از همه بیشتر است. (توکلی، ۱۳۹۷: ۷۸). با این حال، تعرفه‌های داخلی حامل‌های انرژی به‌صورت یارانه‌ای و توسط دولت معین می‌گردد. تعرفه‌های حامل‌های انرژی در ایران بسیار پایین‌تر از قیمت صادراتی آنهاست. از این‌رو، طی دهه گذشته، بهره‌وری انرژی در ایران به‌شدت افت کرده و دولت به اهمیت بهینه‌سازی مصرف انرژی پی‌برده است. با تصویب ماده ۱۲ قانون «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور» بستر قانونی مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در امر بهینه‌سازی انرژی فراهم گشته ولی ازآنجا که سازوکارهای اجرایی این مشوق‌ها هنوز پیاده‌سازی نشده‌اند، تاکنون سرمایه‌گذاری

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

وسیعی در این زمینه صورت نگرفته است. همچنین، تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری پروژه‌های صرفه‌جویی انرژی می‌تواند توسط شرکت‌های خدمات انرژی از محل بودجه‌های داخلی شرکت و یا توسط مشتری با ضمانت صرفه‌جویی انرژی از طرف شرکت انجام شود. (حوری جعفری و همکار، ۱۳۹۸: ۱۳۰). در ایران، ماده ۱۲ "قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور" و آئین‌نامه "ایجاد بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست"، چارچوبی را برای تنظیم قوانین بهبود بهره‌وری انرژی از طریق استفاده از ابزارهای مبتنی بر بازار شامل گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی و قراردادهای صرفه‌جویی انرژی اشاره دارند.

ابزارهای مبتنی بر بازار[۱] در سطح بین‌الملل که افزایش بهره‌وری انرژی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را ترویج می‌کنند، به‌عنوان مکانیسم‌های مختلف مبتنی بر بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست، تلقی می‌گردند و در قالب گواهی‌هایی تحت عنوان "گواهی صرفه‌جویی انرژی"، پیاده‌سازی می‌شوند[۲]. در ایران نیز، در راستای عملیاتی شدن ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و همچنین طبق ماده ۵ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، آیین‌نامه ایجاد بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست به‌منظور بهینه‌سازی مصرف انرژی در صنایع و بخش‌های مختلف به اهتمام معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تدوین و بعد از تصویب در شورای عالی انرژی توسط دولت به دستگاه‌ها ابلاغ شد. پیشنهاد اصلی این آیین‌نامه، ایجاد بازار بهینه‌سازی انرژی در کشور می‌باشد تا بر اساس صرفه‌جویی که هر یک از بخش‌ها در میزان مصرف انرژی، گواهینامه صرفه‌جویی انرژی برای آنها صادر شود به‌نحوی‌که بتوانند آن را در بازار بهینه‌سازی که در چارچوب قوانین و مقررات حاکم بر بازار بورس انرژی ایران تشکیل و اداره می‌شود، داد و ستد کنند. کمیسیون صرفه‌جویی انرژی متشکل از کمیسیون تخصصی شورای عالی انرژی به‌علاوه نمایندگان نهادهای مرتبط با بازار بهینه‌سازی و محیط‌زیست شامل وزارت راه و شهرسازی، معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری، سازمان بورس و اوراق بهادار و اتاق بازرگانی، متعهد شده‌اند تا نسبت به تدوین مقررات

۱. Market-based Instruments (MBIs) ابزارهای مبتنی بر بازار، سیاست‌های عمومی هستند که از سازوکارهای بازاروحقوق مالکیت قابل انتقال، به منظور توزیع بار اجرایی یک سیاست استفاده می‌کنند.

۲. گزارش کمیسیون اتحادیه اروپا از گواهینامه های قابل معامله برای صرفه‌جویی انرژی، ریاست جمهوری مرکز راهبردهای تحول و پیشرفت.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

و زیرساخت‌های مورد نیاز برای راه‌اندازی بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست به‌منظور انجام معاملات گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی در بازار بورس انرژی ایران اقدام کنند.

۲- *تجارت دی‌اکسید کربن*

افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای، به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تغییر وضعیت آب و هوایی جهان مطرح است؛ به گونه‌ای که تغییری کوچک در وضعیت آب و هوایی، در بسیاری از موارد می‌تواند منشأ تغییرات بزرگ اقلیمی و بلایای طبیعی و زیان‌های اقتصادی در سطح جهان، شود. افزایش مستمر تولید ناخالص داخلی، تأثیری منفی بر انتشار گاز دی‌اکسید کربن دارد. با توجه به روند رو به رشد انتشار گاز دی‌اکسید کربن در ایران، ضروری است سیاست‌گذاران، سیاست‌های زیست‌محیطی مناسبی اعمال کنند تا کشور به پناهگاهی برای جذب صنایع آلاینده تبدیل نشود، زیرا استانداردهای زیست‌محیطی پایین در کشور به‌عنوان منبع مزیت نسبی مطرح می‌شوند. با توجه به مزایای توسعه مالی، سیاست‌گذاران می‌توانند تمهیداتی برای بالا بردن سطح فناوری تولید و جذب سرمایه‌های خارجی و مصرف انرژی پایین‌تر به کار بگیرند و با تصویب قوانینی برای بنگاه‌های صنعتی، آن‌ها را ملزم به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دوست‌دار محیط‌زیست کنند. درباره تأثیر مثبت توسعه مالی بر انتشار گاز دی‌اکسید کربن که به تجارت کربن شهرت یافته، نتیجه تحقیقات نشان داده است، افزایش فعالیت‌های صنعتی باعث افزایش مقیاس تولید و افزایش انتشار گاز دی‌اکسید کربن می‌شود و افزایش نوآوری‌های تکنولوژیکی از جمله تکنولوژی‌های دوست‌دار محیط‌زیست و شناسایی بهترین تکنولوژی‌های تولیدی و تأمین منابع مالی ارزان‌تر برای انجام سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مربوط به محیط‌زیست پاک باعث کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن می‌شود. در این حالت اثر اول بر اثر دوم غالب شده و توسعه مالی در ایران باعث افزایش انتشار گاز دی‌اکسید کربن شده است (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۰). با توجه به روند رو به افزایش سرانه انتشار دی‌اکسیدکربن در ایران، لازم است سیاست‌های زیست‌محیطی جدیدی در پیش گرفته شود تا به این ترتیب تخریب محیط‌زیست کاهش یابد. بنابراین در این خصوص لازم است با ارتقای فناوری‌های تولید و توزیع انرژی در کشور، ارتقای

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

استانداردهای فنی و زیست‌محیطی تولیدات صنایع، استفاده از انرژی‌های پاک و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین با آلایندگی کمتر فراهم شود تا افزایش رفاه ناشی از درآمد ملی با کمترین هزینه زیست‌محیطی همراه باشد. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۱)

۳- راهکارهای علم اقتصاد برای مقابله افزایش مصرف انرژی

امروزه موضوعات مرتبط با انرژی و میزان مصرف آن در بخش‌های مختلف، یکی از مهم‌ترین مباحث در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان کشورها است. انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید و کالاهای مورد نیاز در مصرف نهایی، از نظر اقتصادی دارای اثرات قابل توجهی است. اجرای راهکارهای بهینه‌سازی مصرف انرژی ضروری است. بدین ترتیب حضور ایران در بازارهای بین‌المللی انرژی برای بلندمدت تضمین خواهد شد. بهینه‌سازی مصرف انرژی یک صنعت پر سود و کم هزینه برای اقتصاد ملی است و ترویج آن اشتغال‌زایی گسترده‌ای را به دنبال دارد. ایجاد امنیت انرژی و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی از دیگر مزایای اجرای راهکارهای بهینه‌سازی مصرف انرژی است. در چنین شرایطی برای مقابله با افزایش مصرف انرژی، علم اقتصاد دو راهکار متفاوت ارائه می‌کند (آئینه نگینی، ۱۳۹۴).

راهکار اول، راهکار مبتنی بر کنترل و نظارت است. نگرش مبتنی بر کنترل و نظارت اغلب شامل اخذ مالیات و عوارض از بخش‌هایی است که بیش از حد تعیین شده انرژی مصرف می‌نمایند. این نوع سیاست‌گذاری مبتنی بر انگیزه بخشی اقتصادی نبوده و از این حیث چندان کارآمد نیست. در این روش واحدهای صنعتی مایل نیستند از سطح تعهدات تعریف شده فراتر رفته و میزان مصرف انرژی خود را از سطح تعیین شده پایین‌تر بیاورند. علاوه بر آن در این مدل واحدهای صنعتی همواره از طریق روش‌های قانونی و غیرقانونی به دنبال راه‌های گریز از پرداخت مالیات و عوارض هستند و این موضوع را به‌عنوان یک تحمیل اجباری به کلیه واحدهای صنعتی قلمداد می‌کنند.

راهکار دوم، اشاره به مکانیزه‌های بازار محور دارد. در این مدل، پس از تشکیل بازار گواهینامه‌های سفید انرژی با قابلیت معامله، بخش‌هایی که بیش از سطح تعهدات خود صرفه‌جویی انرژی داشته باشند، می‌توانند آن را در قالب گواهینامه‌های مزبور به شرکت

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

هایی که نتوانسته‌اند تعهدات خود را برآورده کنند، بفروشند. این روش از یک طرف باعث کاهش مصرف انرژی و از طرف دیگر موجب ایجاد انگیزه در کاهش بیشتر آن خواهد شد. همچنین بخش‌ها یا شرکت هایی که به هر دلیلی موفق به کاهش میزان مصرف انرژی خود نشده‌اند با استفاده از سازوکار عرضه و تقاضای بازار، ضمن پرداخت هزینه و خرید گواهینامه‌های صرفه‌جویی انرژی میزان کسری صرفه‌جویی انرژی خود را جبران می‌کنند. هزینه صرفه‌جویی انرژی در این روش بسیار کمتر از روش نظارت و کنترل است. نظر به قرابت معاملات گواهینامه‌های کارایی انرژی با سایر معاملات در حال انجام در بورس انرژی و تشابه ماهیت بازار گواهینامه‌های کارایی انرژی از حیث ادغام در بازارها و بورس‌های انرژی در دنیا، بورس انرژی به‌عنوان مجرای عملیاتی می‌تواند زمینه‌های راه‌اندازی بازار گواهینامه‌های سفید در کشور را مهیا نماید (آئینه نگینی، ۱۳۹۴).

۴- بررسی ابزارهای مبتنی بر کارکرد بازار انرژی

ابزارهای مبتنی بر کارکرد بازار با هدف ایجاد پایداری در بخش انرژی برای ترویج افزایش سهم تولید انرژی برق از منابع انرژی تجدیدپذیر و قطع انتشار گازهای مضر به کار گرفته شده‌اند. در این زمینه، سیستم‌های سهمیه‌بندی[1] که به‌عنوان استانداردهای سبد تجدیدپذیر[2] نیز شناخته می‌شوند، همراه با برنامه‌های گواهی سبز قابل معامله، توسعه‌یافته و برای گسترش نفوذ منابع انرژی تجدیدپذیر بر اساس مشوق‌های بازار، در چندین کشور جهان آزمایش شده‌اند. یکی دیگر از ابزارهای مبتنی بر کارکرد بازار که به‌صورت گسترده شناخته و تحلیل شده است، مجوز تجارت دی‌اکسید کربن است. این مجوز از یک ژانویه ۲۰۰۵ در سیستم تجارت انتشار آلاینده اتحادیه اروپا[3] شروع شد. اخیراً توجه سیاست‌گذاران، برای تشویق سرمایه‌گذاری‌ها در بهره‌وری انرژی و دستیابی به اهداف ملی صرفه‌جویی انرژی، به امکان تعریف تعهداتی برای دسته‌ای مشخص از بازیگران بازار برای صرفه‌جویی انرژی جذب شده است که به گواهینامه‌های صرفه‌جویی انرژی گره زده شده‌اند. ابزارهای مبتنی بر کارکرد بازار انرژی شامل موارد ذیل است:

1. Quota systems
2. Renewable Portfolio Standards (RPS)
3. EU Emission Trading System

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

بند اول – مکانیسم توسعه پاک

برای پروژه‌های همکاری بین‌المللی، مکانیسم توسعه پاک[1] که از پروتکل کیوتو حاصل شده است، چارچوبی را فراهم می‌کند که به کشورهای صنعتی اجازه می‌دهد تا در پروژه‌های کاهش انتشار گازهای آلاینده گلخانه‌ای سرمایه‌گذاری کنند که دارای حداقل هزینه در سطح جهانی است. در عوض، سرمایه‌گذاران، گواهی‌های کاهش نشر (CER)[2] را از کشورهای در حال توسعه دریافت می‌کنند. ایده ساز و کار توسعه پاک[3] از پیشنهاد برزیل برای ایجاد صندوق توسعه پاک در سال ۲۰۰۷ گرفته شد تا با حمایت مالی آن دسته از کشورهای توسعه‌یافته که به تعهدات خود در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا سایر اهداف کاهنده عمل نکرده‌اند، تعهدات خود را در کشورهای در حال توسعه انجام دهند. با این حال، برخی از کشورهای توسعه‌یافته حاضر به پذیرفتن مفهوم جریمه نشدند و ایده اولیه به مکانیسم توسعه پاک تغییر شکل داد. در این مکانیسم کشورهای متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای (کشورهای الحاقی ضمیمه پروتکل کیوتو) می‌توانند گواهی‌های کاهش نشر CER را از پروژه‌های کشورهای در حال توسعه که عضو این ضمیمه نیستند به‌منظور رسیدن به اهداف کاهش انتشار خود در پروتکل کیوتو خریداری نمایند. چنین پروژه‌هایی می‌بایست کاهش انتشار بیشتری نسبت به زمانی که پروژه از این مکانیسم استفاده نمی‌کند، داشته باشند و در عین حال می‌بایست فواید طولانی‌مدت و قابل اندازه‌گیری را برای کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی به موجب ماده ۱۲ پروتکل[4] به همراه داشته باشند. در نتیجه، ساز و کار

1. Clean Development Mechanism
2. Certified Emission Reduction
3. Clean Development Mechanism

۴. بدین وسیله مکانیزم توسعه پاک تعریف می شود. هدف از مکانیزم توسعه پاک کمک به اعضای مندرج نشده در ضمیمه ۱ جهت دستیابی به توسعه پایدار و کمک به هدف نهایی کنوانسیون و همچنین مساعدت به اعضای مندرج در ضمیمه ۱ برای نیل به رعایت تعهدات کاهش و محدودیت کمی انتشار به موجب ماده ۳ می باشد. به‌موجب مکانیزم توسعه پاک، اعضای مندرج نشده در ضمیمه ۱ از فعالیت های پروژه که منجر به کاهش نشر تایید شده می شوند بهره خواهند برد و اعضای مندرج در ضمیمه ۱ می توانند از کاهش نشر تأیید شده که از فعالیت های پروژه مزبور حاصل شده است برای کمک به رعایت تعهدات کاهش و محدودیت کمی نشر به موجب ماده ۳ به گونه ای که کنفرانس اعضا که به‌عنوان اجلاس اعضای این پروتکل فعالیت می کند معین کرده است، استفاده نمایند. (متن پروتکل کیوتو، سازمان حفاظت از محیط زیست، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران، دفترحقوقی و امور مجلس، بهمن ۱۳۷۹).

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

توسعه پاک همکاری داوطلبانه و قابل توجه کشورهای ضمیمه ۱ با هدف تغییر روند گرمایش جهانی مطابق با کنوانسیون، پروتکل کیوتو و اجرای مشترک با مسئولیت متفاوت است. استفاده از این ساز و کار به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه نیز منجر خواهد شد. ساز و کار توسعه پاک بر پایه گسترش این پروژه بنا شده و بخشی از موفقیت آن را می‌توان مدیون ماهیت تجاریش دانست. فعالیت پروژه‌های ساز و کار توسعه پاک در کشورهای در حال توسعه می‌بایست به‌طور مستقیم به‌منظور کاهش گازهای گلخانه‌ای باشد و فواید ملموس، قابل اندازه‌گیری و بلندمدت با خود به همراه داشته باشد؛ بنابراین باید در چنین پروژه‌هایی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و یا افزایش جداسازی خالص CO_2 رخ دهد و می‌تواند شامل جایگزینی سوخت‌های فسیلی توسط انرژی‌های تجدیدپذیر، بهینه‌سازی مصرف انرژی، فعالیت‌های جنگل‌کاری و احیای جنگل‌ها و افزایش بهره‌وری خدمات شهری باشد. پروژه‌ها می‌بایست شامل یک یا تعدادی از گازهای گلخانه‌ایی لیست شده در ضمیمه A پروتکل کیوتو باشند (نودل، ۱۳۹۱: ۱۹).

بند دوم – سیستم‌های گواهی قهوه ای

در سیستم‌های گواهی قهوه ای[1]، مجوز کاهش انتشار صادر می‌گردد و اجازه مبادله آن بین بازیگران یا نهادهای موظف شده به کاهش انتشار داده می‌شود. مقدار کلی انتشار و مجوزها محدود است و در طول زمان کاهش می‌یابد. برجسته‌ترین مورد، نظام مورد استفاده در اتحادیه اروپا به نام سیستم تجارت انتشار[2] می‌باشد. طرح تجاری انتشار اتحادیه اروپا، بزرگ‌ترین طرح مجوز قابل معامله در دنیا است. این طرح در اول ژانویه ۲۰۰۵ آغاز شد و تقریباً برای ۱۱۵۰۰ نهاد در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته شد. این سیستم نقش اصلی را در تعهد اروپا برای مقابله با تغییرات آب و هوایی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به کمتر از ۳۰ درصد سطوح سال ۱۹۹۰ ایفا می‌کند. این طرح حدود ۴۵ درصد کل انتشار Co_2 اتحادیه اروپا را شامل می‌شود. در ابتدا EU ETS ارتباط قیمت مجوزها را با تعداد مجوزهای صادر شده، قیمت نسبی سوخت، تغییرات آب و هوا و غیره آزمون کرد و رابطه منفی قیمت کربن را با این متغیرها

1. Trade and Cap
2. EU Emissions Trading Scheme

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

مشاهده نمود. دولت اوباما طی مبارزات انتخاباتی خود خواستار اجـرای طـرح تجـاری شـد کـه در آن تمـام مجوزهای انتشار کربن می‌بایست توسط دولت آمریکا به مزایده گذاشـته شـوند و تخمـین زده شـده که این طرح بیش از ۶۴۵ میلیارد دلار طی ۱۰ سال افزایش درآمد ایجـاد نماید. بـسیاری از شرکت‌های آمریکایی پیش از این به‌صورت مستقیم و یا از طریق شرکت‌های وابـسته خـود در EU ETS مشارکت داشته‌اند و در حال حاضر چندین طرح در سطح ایالتی در آمریکا به‌صورت ابتکاری در حال گسترش و یا در جریان است؛ بنابراین، شرکت‌های آمریکایی مزایـای مـشارکت در سیـستم تجاری را در مقابل مالیات کربن (همراه با سایر معیارهای سیاسی) ارزیابی و اثر قیمت‌گذاری کـربن را بر تجارت بین‌المللی و رقابت تحلیل می‌نمایند. علاوه بر این در برجـسته‌ترین مـورد مـشاهده شده که مدیر عامل شرکت اکسون خواستار وضع مالیات کربن به‌عنوان یـک روش عادلانـه شده است برای محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای نسبت به پوشش کلی سیستم تجـاری مجـوز آلـودگی شده است (گرامی و همکار، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

بند سوم – گواهی‌های سبز[1]

گواهی‌های سبز میزان معینی از انرژی که توسط منابع تجدیدپذیر تأمین شده‌اند را مشخص می‌سازند. وقتی که انرژی برق به شبکه متصل می‌شود تشخیص منبع آن ممکن نیست. برای حل این مسئله، گواهی‌های سبز بازاری برای مبادله ارزش ماهوی انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم می‌کند. حق تعرفه، طرح مناقصه، تعهد در سهم با قابلیت داد و ستد گواهی‌های سبز، مالیات بر کربن و حق انتشار با قابلیت داد و ستد عناوین رایج‌ترین سیاست‌های اعمال شده به بخش تولید می‌باشند. اگرچه از تمامی این سیاست‌ها، اغلب، به‌عنوان سیاست‌های تدوین شده برای توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر یاد می‌شود، اما با دقت در فرایند اجرایی آنها می‌توان دریافت که پاره‌ای از این سیاست‌ها نه بر ترویج منابع انرژی تجدیدپذیر، بلکه بر کنترل و محدود کردن انتشار بخش تولید تأثیر داشته و ترویج منابع تجدیدپذیر به‌عنوان یک اثر ثانویه از آن‌ها مشتق می‌شود. سیاست‌های مالیات بر کربن و حق انتشار با قابلیت داد و ستد در زمره این سیاست‌ها قرار می‌گیرند. حال آنکه سیاست‌های چون حق تعرفه، طرح مناقصه یا سیاست تعهد در سهم با قابلیت داد و ستد تأثیر مستقیم بر ترویج منابع انرژی

1. Quota Obligation with Tradable Green Certificate

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

تجدیدپذیر دارند. پرواضح است که اجرای این سیاست‌ها می‌تواند با کاهش نسبی آلاینده‌های انتشار یافته از بخش تولید ناشی از افزایش درصد نفوذ منابع انرژی تجدیدپذیر و یا تغییر ترکیب تولید در بلندمدت در کاهش خسارت‌های زیست‌محیطی و ممانعت با تغییرات شرایط آب و هوایی مؤثر واقع گردند. از این حیث می‌توان کاهش خسارت‌های زیست‌محیطی را گاهی مؤثر در ارتقاء رفاه جوامع بشری تلقی نمود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲-۷).

بند چهارم - گواهی‌های سفید

درحالی‌که مکانیسم‌های ذکر شده، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را هدف قرار می‌دهند، گواهی‌های سفید به‌طور عمده بر کاهش مصرف انرژی تمرکز می‌کنند. این گواهی‌ها تأییدی است بر اینکه با استفاده از یک پروژه خاص، کاهش مشخصی در مصرف انرژی صورت گرفته است. تحت این رژیم، تولید و عرضه‌کنندگان انرژی معمولاً متعهد به دست‌یابی به یک هدف از پیش تعیین شده صرفه‌جویی در انرژی هستند که می‌توانند با تشویق و یا توانمندسازی مصرف‌کنندگان نهایی برای کاهش مصرف انرژی به این اهداف دست یابند. طرح‌های گواهی سفید، این مزیت را دارند که هزینه‌های اجرای پروژه‌های بهره‌وری انرژی معمولاً از طریق خود انرژی صرفه‌جویی شده به دست می‌آید (هاندریش و همکاران، ۱۳۹۸: ۴). بنابراین، این طرح‌ها تبدیل به یک جزء موفق در تعداد زیادی از سیاست‌های ملی تغییر اقلیم شده‌اند. به‌صورت کلی، طرح‌های بین‌المللی گواهی سفید از منظر طراحی متفاوت هستند. این تفاوت‌ها عمدتاً مربوط به بازیگران درگیر، اهداف برنامه‌ریزی شده و نحوه پیاده‌سازی می‌باشد. با توجه به تنوع طرح‌ها، شواهد، تجربیات و آموزه‌های زیادی در سطح بین‌المللی انباشته شده است. گواهی‌های سفید رویکرد مهمی را در پیاده‌سازی و کاربرد عملی یک نظام بهره‌وری انرژی ارائه می‌دهند، ولی تجربیات مربوط به مکانیسم‌های دیگر نیز، موارد بیشتری را در خصوص عملکرد مؤثر بازار گواهی تصریح می‌کنند.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

بند پنجم – قراردادهای ماده ۱۲ رفع موانع تولید رقابت‌پذیر (قراردادهای کارایی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر)

الف – تعریف

در قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، قانون اصلاح الگوی مصرف و قوانین بودجه و ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و بند ق تبصره ۲ قانون بودجه ۱۳۹۳ نحوه تدوین قراردادهای مبتنی بر کارایی انرژی، ایجاد ساختار و نظام مالی مناسب برای تأمین مالی پروژه‌های خدمات انرژی در کشور ذکر گردیده است. در قانون اصلاح الگوی مصرف مصوب ۱۳۸۸، شرکت خدمات انرژی چنین تعریف شده است: شرکتی از نوع خدماتی و مهندسی است که در کلیه بخش‌های مصرف‌کننده انرژی، پروژه‌های مرتبط با بهبود کارایی انرژی را طراحی، اجرا و تأمین مالی می‌نماید. این شرکت با تضمین حصول سطح مشخصی از کارایی انرژی، تمام مخاطرات پروژه را بر عهده می‌گیرد و هزینه و سود خود را از محل صرفه‌جویی انرژی تأمین می‌کند (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

در تعریف ارائه شده در قانون اصلاح الگوی مصرف، طراحی، اجرا و تأمین مالی به‌عنوان سه رکن توأم فعالیت شرکت‌های خدمات انرژی ذکر شده است. احصای موارد فوق در تعریف قرارداد خدمات انرژی، به‌منظور ایجاد تمایز با سایر خدماتی است که توسط شرکت‌های مشاور، پیمانکار یا تأمین‌کننده مالی انجام می‌شود. قراردادی که موضوع آن ارتقای کارایی انرژی باشد و تمام درآمد کارگزار (شرکت خدمات انرژی)، از محل صرفه‌جویی‌های انرژی ناشی از خدمات ارائه شده قابل پرداخت باشد. این نوع قرارداد، قرارداد مبتنی بر کارایی یا قرارداد خدمات انرژی نامیده می‌شود که در ایران، به قراردادهای ماده ۱۲ رفع موانع تولید رقابت‌پذیر یا قراردادهای بند ق تبصره ۲ قانون بودجه ۱۳۹۳ شهرت یافته‌اند (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

همچنین، طبق تبصره‌های، ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، وزارت نفت مکلف است حقوق متعلق به سرمایه‌گذار یا اقدام‌کننده را مطابق مصوبه شورای اقتصاد از محل افزایش درآمد حال یا آتی یا کاهش هزینه‌ها، حسب مورد به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی (برای سوخت) و در سایر موارد، وزارتخانه‌های ذی‌ربط و شرکت‌های تابعه موظفند به سرمایه‌گذار یا اقدام‌کننده، پرداخت کنند و همزمان به حساب بدهکار دولت

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

(خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه حساب نمایند. در مواردی که در اثر سرمایه‌گذاری طبق مفاد ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، درآمد دستگاه‌های اجرائی یا شرکت‌های دولتی کاهش یابد، دولت مکلف به جبران معادل کاهش درآمد دستگاه‌های اجرائی یا شرکت‌های دولتی مربوط است.

هدف اصلی این ماده، ایجاد درک در میان بانک‌های محلی و مؤسسات تأمین مالی است که این پروژه‌ها چگونه در هزینه‌های عملیاتی فعلی مالکان، صرفه‌جویی‌های مطمئن ایجاد می‌نماید. ضوابط کلیدی قراردادهای ماده ۱۲، با ساختار پروژه تغییر خواهد کرد. پیچیده‌ترین قراردادهای کارایی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر آن‌هایی هستند که در خدمت پروژه‌های مبتنی بر عملکرد هستند. از سوی دیگر، سازمان‌های دولتی از قراردادهای صرفه‌جویی انرژی به روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند و برای افزایش نظارت بر پروژه‌های قرارداد صرفه‌جویی انرژی، به‌طور مداوم فعالیت‌های سنجش و تأیید پیمانکاران را تحت نظر نداشته و فکر می‌کردند که نظارت الزامی نیست. در نتیجه، بدون چنین کنترلی، برنامه مدیریت انرژی، برای تشخیص و اصلاح هرگونه کمبود در برنامه قرارداد یا راهنمای آن، اطلاعات لازم را در اختیار نخواهد داشت و سازمان‌ها ممکن است بیشتر از مقدار صرفه‌جویی شده برای پروژه‌ها پرداخت کنند و مسئولین سازمان دولتی، ممکن است از نحوه اثرگذاری تغییر شرایط بر عملکرد قرارداد صرفه‌جویی انرژی، بی‌اطلاع باشند و در نتیجه نمی‌توانند تصمیم‌گیری صحیحی در مورد نمونه کار قرارداد صرفه‌جویی انرژی داشته باشند (فولر، ۱۳۹۵: ۴۸).

ب – انواع قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر

ساختار تنظیم قراردادهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر براساس نوع پروژه قابل تغییر است. پیچیده‌ترین قراردادهای کارایی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر آن‌هایی هستند که در خدمت پروژه‌های مبتنی بر عملکرد هستند. انواع قراردادهای مشمول ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، در زیر فهرست شده‌اند.

- توافق‌نامه‌های تأمین مالی داخلی شامل وام (اجاره) و وثیقه، سفته‌های بلندمدت ساخت و یا اجاره‌نامه‌ها و واگذاری کلی دارایی‌ها می‌باشند.

- توافقنامه‌های ساخت و نگهداری و تعمیرات شامل فیمابین پیمانکاران و اسکو (تأمین مالی توسط شرکت خدمات انرژی) (ESCO) یا مالک و یا پیمانکار مسئول

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

نصب/سرویس تجهیزات با توجه به قیمت، زمان و دیگر ضوابط توافق شده است، می‌باشد.

- توافقنامه‌های خدمات انرژی برای ساختارهای مبتنی بر صرفه‌جویی شامل بین اسکو و مالک، اسکو مسئول توسعه، تأمین مالی و اجرای کلید در دست پروژه‌های کارایی انرژی است، مالک از محل صرفه‌جویی‌ها پرداخت می‌کند و یا اگر ساختار صرفه‌جویی تضمین شده وجود داشته باشد اسکو صرفه‌جویی‌ها را تضمین می‌کند.

- توافقنامه‌هایی که پروژه‌های کارایی انرژی توسط نهادهای خاص منظوره تأمین مالی شود یا تحت مالکیت قرار گیرد شامل ساخت (اسکو/پیمانکار)، شناسایی و تفویض مسئولیت به نهاد خاص منظوره (مالک)، تفویض کل حقوق (اسکو)، ضمانت‌نامه‌های عملیات و عملکرد (اسکو)، توافقنامه سهامدار سرمایه‌گذاران دارای آورده می‌باشد.

- قراردادهای با ماهیت خدمات انرژی یا مبتنی بر عملکرد، قراردادهایی هستند که پرداخت عوض در آنها، به میزان کارکرد و عملکرد اجرایی پروژه انجام شده، متکی می‌باشد و این نوع قراردادها را به دو قسمت تحت عناوین قراردادهای مشارکت در صرفه‌جویی و قراردادهای تضمین صرفه‌جویی تقسیم نموده‌اند.

- قراردادهای مشارکت در صرفه‌جویی

در این نوع از قراردادها، ارزش حاصل از صرفه‌جویی در انرژی در یک دوره زمانی مشخص و به نسبت مشخص از پیش تعیین شده‌ای بین شرکت خدمات انرژی و مشتری تقسیم می‌گردد (درسن، ۲۰۰۳: ۴). تأمین منابع مالی توسط اسکو یا از محل منابع مالی موجود و یا از طریق وام، انجام می‌شود. مشتری و اسکو، سود حاصل از سرمایه‌گذاری را بر اساس شرایط مشخص شده در قرارداد تقسیم می‌کنند. سهم اسکو از سود ناشی از صرفه‌جویی می‌بایست به گونه‌ای تنظیم گردد که بازپرداخت وام، تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه و سود آن را پوشش دهد.

- قراردادهای تضمین صرفه‌جویی[1]:

قرارداد تضمینی خرید خدمات انرژی به استناد ماده ۱۷ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۴/۵/۱۸ و به‌منظور حمایت و توسعه کسب و کار شرکت‌های خدمات انرژی و اجرای طرح‌های بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف انرژی

1. Shared Savings

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

با استفاده از مشارکت بخش خصوصی تنظیم گردیده است. این قرارداد سه جانبه که از نوع قراردادهای مبتنی بر عملکرد است، بین گیرنده خدمات انرژی به‌عنوان کارفرما، شرکت خدمات انرژی (اسکو) به‌عنوان سرمایه‌گذار و اجرا کننده اقدامات بهینه‌سازی مصرف انرژی و شرکت‌های نظیر شرکت برق منطقه‌ای یا توزیع نیروی برق به‌عنوان تضمین‌کننده پرداخت‌های حاصل از صرفه‌جویی انرژی، منعقد می‌شود. کارفرما و شرکت خدمات انرژی برای اندازه‌گیری و صحه‌گذاری و نیز در موارد بروز اختلاف از خدمات شرکت‌های مشاور بهینه‌سازی ذیصلاح استفاده می‌نمایند. در این نوع قرارداد، حق الزحمه شرکت خدمات انرژی براساس گزارش‌های صحه‌گذاری و اندازه‌گیری تأیید شده و پیشرفت و تحقق اهداف طرح، حق الزحمه شرکت خدمات انرژی مطابق شرایط از پیش تعیین شده، پرداخت خواهد شد. به بیان دیگر، قرارداد خدمات انرژی بین کارفرما و شرکت خدمات انرژی منعقد می‌گردد و مطابق آن شرکت خدمات انرژی تحقق مقدار مشخصی صرفه‌جویی انرژی را برای مصرف‌کننده تضمین می‌نماید. هزینه اجرای پروژه توسط کارفرما تأمین می‌گردد یا خود آن را پرداخت نموده و یا اینکه از طریق دریافت وام از بانک یا بنگاه‌های مالی و اعتباری تأمین می‌گردد. (درسن، ۲۰۰۳: ۴)

۵- ماهیت قراردادهای ماده ۱۲ در نقش قراردادهای کارایی انرژی (اسکو)

در تحلیل ماهیت جعاله، دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده است؛ در شرع عقد جعاله، در زمره عقود استخراج از معدن و اکتشاف رگه‌های معدنی بر شمرده شده است. تفاوت جعاله با اجاره برای تحصیل یک منفعت معین در این است که در اجاره تعیین و علم به منفعت و عوض آن شرط است لیکن در جعاله، علم به عمل شرط نیست و این مسئله مورد اتفاق همه فقها می‌باشد. هدف اصلی از مشروعیت جعاله، انجام امری است که غالباً مجهول است بنابراین، جعاله از حیث جهالت عمل قابلیت انطباق فراوانی با قراردادهای نفتی دارد زیرا استخراج نفت از اعماق زمین با نااطمینانی‌های زیادی در رابطه با زمین‌شناسی همراه است و پیمانکار ممکن است پس از صرف هزینه‌های گزاف نتواند به میزان نفتی که تجاری تلقی شده و توجیه اقتصادی دارد، نائل شود. (منظور و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۰) قرارداد ماده ۱۲ با ماهیت قرارداد کارایی یا خدمات انرژی، با

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

هدف بهینه‌سازی مصرف انرژی در تأسیسات و تجهیزات بین کارفرما یعنی سازمان دولتی و شرکت خدمات انرژی منعقد می‌شود. شبیه‌ترین عقد معین به قرارداد خدمات انرژی، عقد جعاله است. چراکه در این نوع از قراردادها، جاعل (کارفرما) متعهد است که در ازای موفقیت عامل یعنی شرکت خدمات انرژی، به کاهش مصرف انرژی، بخشی از ارزش صرفه‌جویی شده را به او بپردازد و شرکت وقتی مستحق جعل یا حق الزحمه می‌گردد که متعلق جعاله (خدمات منجر به صرفه‌جویی در مصرف) را انجام داده باشد. در نمونه قراردادهای تنظیم شده در این حوزه و در حوزه صنعت نفت ایران، ۵ درصد از مبلغ قرارداد همواره به‌عنوان تضمین انجام تعهدات از شرکت خدمات انرژی اخذ می‌شود و همین ویژگی این نوع از قراردادها، آنها را از ماهیت جایز بودن خارج می‌سازد و پیمانکار متعهد است که عملکرد پروژه را تضمین نماید و این در حالی است که عقد جعاله جز عقود جایز است (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۶۵). در نتیجه، با وجود شباهت‌های این نوع قراردادها با برخی عقود از جمله جعاله، نمی‌توان آنها را تحت یک رژیم حقوقی آورد و کاملاً منطبق نیستند. ازاین‌رو با ماهیت مناسب آن تابع ماده ۱۰ و ماده ۱۸۳ قانون مدنی یعنی اصل آزادی قراردادها، اصل صحت قراردادها و تقدم ماهیت بر عنوان انتخابی می‌باشد (اصلانی و همکار، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

۶- بررسی انواع شیوه‌های حل و فصل اختلافات

بند اول - شبه دادرسی

اختلافات، واقعیات روابط تجاری هستند و بسیاری از شرکت‌ها، از افشای اختلافات و نتیجتاً تأثیری که می‌تواند بر روابط تجاری آنان با همکاران داشته باشد، بیم دارند و از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات[1] در کنار رسیدگی دادگاه برای حل کلیه اختلافاتشان، بهره‌برداری می‌کنند (شیروی و همکار، ۱۳۹۷: ۱۶۴). منظور از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، کلیه روش‌هایی است که سعی می‌کنند اختلافات حقوقی را در خارج از دادگاه حل و فصل نمایند. در این روش‌ها معمولاً از خدمات یک شخص ثالث بی‌طرف که می‌تواند در بهبود روابط میان طرفین نقش ایفا نماید، استفاده می‌شود. یکی از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف که با استقبال مواجه و استفاده

1. Alternative Dispute Resolution

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

از آن رو به افزایش است، شبه دادرسی[1] است. شبه دادرسی یک فرایند مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلاف است که هدف اصلی آن قراردادن مدیران ارشد طرفین در یک محیطی است که نقاط ضعف و قوت اختلاف آنها مورد توجه قرار گیرد از نتیجه احتمالی طرح اختلاف نزد دادگاه مطلع گردند (شیروی و همکار، ۱۳۹۷: ۱۶۷). مهم‌ترین ویژگی‌های شبه دادرسی از جمله اختیاری بودن، سریع بودن، غیررسمی بودن، محرمانه بودن و اتخاذ تصمیم توسط مدیران ارشد در مقایسه با ویژگی‌های روش‌های رایج جایگزین حل اختلاف در حقوق داخلی از جمله داوری و میانجی‌گری است؛ بنابراین، برخلاف ظاهر شبه دادرسی، یک دادرسی واقعی نیست، بلکه ماهیتاً ترکیبی از روش‌های سازش، مذاکره و داوری است. شکل رایج شبه دادرسی این است که هیأتی متشکل از سه نفر تشکیل می‌شود. دو نفر از اعضای هیأت مدیران ارشد دو طرف اختلاف هستند و عضو سوم، شخص ثالث موسوم به تسهیل کننده بی‌طرف است که طرفین را در حل و فصل اختلاف یاری می‌دهد. بدین ترتیب که ابتدا طرفین اختلاف یا وکلای آن‌ها، به‌صورت سازمان یافته موارد ادعاها و دفاعیات را در هیأت مزبور مطرح کرده و این ارائه تحت ریاست مشاور بی‌طرف اداره می‌شود. پس از انجام تشریفات، مدیران ارشد طرفین که اختیار حل و فصل اختلاف دارند، با حضور شخص ثالث بی‌طرف مذاکرات لازم را جهت حل و فصل اختلاف انجام می‌دهند. در صورت وصول به نتیجه، با فوریت این نتیجه مکتوب می‌شود و این تصمیم به منزله یک پیمان الزام‌آور حقوقی و اخلاقی است (شیروی و همکار، ۱۳۹۷: ۱۸۵-۱۸۶).

بند دوم – داوری یا حکمیت

در قراردادها طرفین موافقت می‌کنند درصورتی‌که در اجرا یا تفسیر روابط فی‌مابین اختلاف ایجاد شود، برای حل و فصل آن به داوری یا حکمیت مراجعه کنند که در این صورت ممکن است داور مشخص باشد یا نباشد که در صورت اخیر، بعد از حدوث

1. Mini-Trial

برخی از نویسندگان بر این باورند که نام گذاری انگلیسی مینی ترایال، برای شبه دادرسی مناسب نیست، به این دلیل که در این روش اساسا محاکمه ای وجود ندارد بلکه یک روش جایگزین غیر الزام اور است که طرفین اختلاف را در دستیابی به فهم بهتر موضوعات یاری می دهد و بدین وسیله ان ها را قادر می سازد تا با درک بهتر، وارد مذاکرات حل و فصل اختلاف گردند. لذا گاهی به‌عنوان مبادله اطلاعات یا مذاکره رسمی سازمان یافته حل اختلاف توصیف شده است.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

اختلاف، با توافق داور را انتخاب می‌کنند و یا در صورت عدم توافق در انتخاب داور با مراجعه به مرجع قضایی داور توسط مرجع قضایی تعیین می‌گردد. گاهی نیز داوری بعد از حدوث اختلاف تحقق می‌یابد. به‌عنوان مثال اصحاب اختلاف پس از آنکه در روابط حقوقی فی‌مابین دچار تنش و مشکل می‌شوند با توافق یکدیگر موضوع را به داوری ارجاع می‌دهند و همچنین گاهی ممکن است طرفین دعوا بدون آنکه از قبل توافقی در رجوع به داوری داشته باشند با مراجعه به مرجع قضایی و با هدایت و ارشاد قاضی دادگاه به داور رجوع کنند (علوی و همکار، ۱۳۹۳: ۷۸-۸۰). بررسی اجمالی بسیاری از قوانین، رویه‌های قراردادی و داوری راجع به قراردادهای نفت و گاز نشان می‌دهد که با متحول شدن ساختارهای قراردادی، شروط داوری نیز راه تکامل را در پیش گرفته است، بدین نحو که هم قانون‌گذاران داخلی و هم بین‌المللی، با ترجیح تعیین چارچوب‌های شرط داوری در قالب ارجاع اختلافات خود به مقررات و احیاناً مراکز داوری، همچون انسیترال، اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری و سایر مراکز داخلی برای تحقق داوری، سعی در مدیریت شایسته اختلافات احتمالی و امتناع از ورود در نابسامانی‌های خاص داوری نموده‌اند. نهاد داوری به شیوه غالب قراردادهایی از این نوع، با وسعتی بیشتر، به‌صورتی ضابطه‌مندتر و با تکنیک‌های حقوقی بهره گرفته از تجربه‌های داوری و تحولات روز این صنعت، در حال توسعه است (اریان کیا، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۴).

بند سوم – میانجی‌گری

از طرق حل و فصل اختلاف که از آن می‌توان به جایگزینی رسیدگی قضایی اشاره نمود، میانجی‌گری است. در این روش، برگزاری جلسات مشترک و تبادل نظر بین هریک از طرفین با میانجی از اهم امور کار در این باب است. اولین کار برای میانجی، تشکیل جلسه مشترک سه جانبه بوده که با حضور دو طرف و میانجی صورت می‌پذیرد؛ که در این وضعیت، سعی میانجی بر ارائه راهکار مشترک میان طرفین است. پس از جلسه مشترک مذکور و تبیین ادعای هریک از طرفین در موضوع و شرح اختلاف خود، میانجی به بررسی اختلاف با توجه به تخصص خود می‌پردازد. اصولاً شخص میانجی، می‌بایست از متخصصان امر اختلافی باشد تا بتواند با سرعت و دقت و علم مناسب، به راهکاری واقعی و صحیح برسد. پایه این روش نگاه به تفاهم و حل اختلاف از طریق

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

رضایت طرفین به راهکار ارائه شده از سوی میانجی است. پس از جلسه اول، میانجی اقدام به بررسی اختلاف با توجه به اسناد و مدارک طرفین می‌نماید. (درویشی هویدا، ۱۳۹۰: ۱۲۳) در مواردی که موضوع دارای ابهام باشد مدارک توسط میانجی از طرفین درخواست می‌گردد. پس از این مرحله، میانجی با تشکیل جلسه دو طرفه، با هریک از طرفین دعوا، ادعای او را بررسی و مدارک و مستندات را مورد مداقه قرار داده و پاسخ و ادعای طرف را می‌شنود. پس از این جلسه، میانجی اقدام به تشکیل جلسه با طرف دیگر ادعا می‌دهد و نسبت به بیان دیدگاه‌های طرف مقابل با رعایت بی‌طرفی و عدم افشای نتیجه مذاکرات با طرف مقابل اقدام نموده و تنها به بیان دیدگاه‌های ادعایی طرف اول می‌پردازد. در این روش فضا متمایل به حل اختلاف از طریق سیاست دیپلماسی یا پینگ پنگ است.

میانجی در این بین علاوه بر حفظ اسرار طرفین و بی‌طرفی می‌بایست از اعمال سلیقه شخصی و لحاظ منافع یکی بر دیگری خودداری نماید. این رفت و برگشت ادعاها در نهایت می‌تواند به نقطه اشتراکی بین طرفین بیانجامد. روشن است که این روش بسیار زیاد به تجربه تخصص و مهارت شخص میانجی وابسته است؛ اما در این جا لازم است تفاوت میانجی‌گری با داوری را ذکر نماییم.

اولاً، داور دارای بسیاری محدودیت از جنبه روش داوری و محدودیت‌های قانونی است اما این امر در میانجی‌گری مشاهده نمی‌شود.

ثانیاً، در موضوع داوری تمام اختلافات در نهایت به یک نظریه، تحت عنوان نظریه داوری یا رأی داور منتهی می‌گردد اما این موضوع یعنی صدور رأی در میانجی‌گری به‌دلیل ماهیت آن که رفع اختلاف از طریق تراضی است، مشاهده نمی‌گردد.

ولی میانجی‌گری را می‌بایست با بحث رسیدگی قضایی نیز متمایز دانست. دلایل متعددی بر این امر وارد است که تعدادی از آنها عبارت‌اند از:

اولاً، الزامی بودن رأی صادره از مرجع قضایی برای طرفین.

ثانیاً، روش خاص رسیدگی حاکم به محاکم قضایی.

ثالثاً، تطویل رسیدگی در محاکم قضایی و در نهایت عدم ضرورت وجود تفاهم طرفین در مفاد رأی صادره، همگی مؤید این امر است که میانجی‌گری اساساً و بنیادی با امر قضایی متفاوت است.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

بند چهارم – حل مسالمت‌آمیز و شرایط جایگزین

روش‌های جایگزین، شامل حل تفاهمی و ارزیابی بی‌طرفانه می‌باشد که هر دو طرف در کاربرد هریک از روش‌های مذکور می‌بایست با هم توافق کنند. در این روش‌ها، طرفین تشویق به یافتن راه حلی مورد توافق می‌گردند و با همراهی شخص سوم به‌سوی تراضی می‌روند. این موضوع به‌جز موضوع ارجاع امر به کارشناسی است. این نظر یا تصمیم نمی‌تواند به طرفین تحمیل گردد، اگرچه طرفین می‌توانند از طریق یک قرارداد و شرط ضمن عقد، الزام لازم را ایجاد نمایند. شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، به شیوه‌های اجباری و اختیاری قابل تقسیم می‌باشد. هرچند ارجاع اختلاف به شیوه‌های جایگزین با رضایت و توافق طرفین است ولی در برخی از موارد، بنا به حکم قانونی می‌بایست، اختلاف بدواً از طریق این روش صورت پذیرد در نتیجه، پس از این مرحله و خودداری طرفین از اجرای رأی، بر مبانی یاد شده، ذینفع موضوع بر مبنای قرارداد و یا حکم قانونی، می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید. از جمله معایب شیوه جایگزین در قبال داوری این است که، رأی داور با سهولت اجرا می‌شود و این سهولت در قلمرو حقوق داخلی همچون رأی دادگاه به مورد اجرا گذاشته می‌گردد. در داوری‌های تجاری بین‌المللی نیز برخلاف احکام دادگاه‌های خارجی، رأی داور با سهولت و مشکلات بسیار کمتری اجرا می‌شود (ارفع نیا و همکار، ۱۳۹۷: ۲۹۶). مهم‌ترین برتری که استفاده از روش‌های جایگزین دارد، کاهش کمی دعاوی است که برای حل و فصل به دادگاه‌ها ارجاع می‌شود. در این روش‌ها، اختلافات به‌وسیله اشخاص متبحر و متخصص در امر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد درحالی‌که رسیدگی موضوع مذکور در دادگاه‌ها علاوه بر آن‌ها که مستلزم صرف زمان بسیار است در برخی موارد نیز، نتیجه مطلوب و منصفانه و بعضاً عادلانه را نیز به نظر به بار نمی‌آورد. از طرف دیگر این شیوه‌ها می‌تواند موجب سبب جلوگیری از اختلافات گردد. در روش‌های جایگزینی و با استفاده از آن‌ها می‌توان امیدوار بود که از تبدیل این اختلافات به اختلافات حقوقی و در نتیجه تراکم دعاوی دادگاه‌ها جلوگیری گردد همچنین به این دلیل که این شیوه‌ها اختلافات را به‌صورت دوستانه حل و فصل می‌کنند، در بسیاری از موارد مایهٔ نزاع اصلی از بین می‌رود و از طرح دعاوی جدید جلوگیری به عمل می‌آید. کاهش دعاوی سبب کاهش هزینه‌های عمومی دولت، رسیدگی سریع‌تر به دعاوی موجود و افزایش سطح

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

رضایتمندی طرفین دعوا می‌شود (ارفع نیا و همکار، ۱۳۹۷: ۳۰۷). از ایرادات واردشده به شیوه‌های جایگزین، این است که شخص ثالث رأی الزام‌آور صادر نمی‌کند و حل و فصل اختلاف مستلزم توافق طرفین است. بنابراین، ممکن است طرفین به توافق دست نیابند و اختلاف حل نشود. نتیجهٔ عدم حل و فصل اختلاف از طریق شیوه‌های جایگزین، از دست رفتن زمان و تحمیل هزینه بر طرفین است. اما در پاسخ به این ایراد گفته می‌شود که حتی اگر دعوا از طریق روش‌های دوستانه جایگزین حل و فصل نشود، انجام مذاکرات و تلاش برای حل و فصل، می‌تواند منافعی را برای طرفین در برداشته باشد؛ از جمله این منافع، گردآوری اطلاعات و روشن ساختن یا مضیق کردن موضوع مورد اختلاف است که طرفین بر آن تأکید و توجه بیشتری دارند. در خصوص اجرای نتایج حاصل از روش‌های جایگزین نیز باید گفت که اگر یکی از طرفین، موافقتنامهٔ حل و فصل یا ردی کارشناس را اجرا نکند، طرف دیگر باید بر مبنای قرارداد اقامه دعوا کند و اجرای قرارداد را از دادگاه بخواهد؛ اما چون در این شیوه‌ها، طرفین با رضایت و توافق نسبت به حل و فصل اقدام می‌کنند و در بسیاری از موارد طرفین ارتباطات کاری و دوستانه خود را ادامه می‌دهند، در عمل بسیاری از شروط مورد توافق به‌صورت اختیاری اجرا می‌شود و نیازی به مراجعه به دادگاه‌ها و اجرای اجباری نتایج روش‌های جایگزین نخواهد بود. عیب دیگر استفاده از شیوه‌های جایگزین این است که با وجود محرمانه و سرّی بودن جریان رسیدگی، امکان نظارت و بازرسی آرا و نتایج حاصل از این شیوه‌ها بسیار دشوار بوده و امکان سوء استفاده و تحمیل نتایج ناعادلانه را بر یکی از طرفین اختلاف باز نگه می‌دارد. همچنین با وجود توافق طرفین، باز هم این احتمال وجود دارد که یکی از طرفین که قوی‌تر است، اراده و خواست خود را بر طرف دیگر که ضعیف‌تر است، تحمیل کند. بنابراین، نتیجهٔ حاصل زمانی عادلانه خواهد بود که طرفین در یک وضعیت برابر قرار داشته باشند. بنابراین توصیه می‌شود که اگر طرفین به هر دلیل امکانات و جایگاه و در کل قدرت مذاکره و چانه‌زنی برابر نداشته باشند، بهتر است دعوای خود را از طریق دادگاه حل و فصل کنند. در پاسخ به این ایراد نیز می‌توان گفت طرف قوی‌تر در رسیدگی دادگاه نیز از امکانات بهتری همچون استخدام وکلای

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

باتجربه برخوردار است. طرفی که شـروط حـل و فصل را ناعادلانه می‌پندارد، می‌تواند از پذیرش آن امتناع کنـد و حـل و فـصل دعـوا را از دادگاه پیگیری و اجرا نماید.

بند پنجم – حل اختلاف قراردادهای خدمات یا کارایی انرژی از طریق ناظر

قراردادهای خدمات یا کارایی انرژی دارای سه رکن به شرح ذیل می‌باشند،

رکن اول: کاربر انرژی

رکن دوم: شرکت خدمات انرژی ESCO

رکن سوم: اشخاص ناظر اندازه‌گیری و صحه‌گذاری

یک طرف این نوع قرارداد، شرکت‌های خدمات انرژی هستند که به اختصار ESCO نامیده می‌شوند. در سوی دیگر، این قراردادها اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی قرار می‌گیرند. شرکت‌های خدمات انرژی برای جلب سود بیشتر وارد می‌شوند و در سوی دیگر آن نیز شخص حقیقی یا حقوقی برای جلب منفعت خود از طریق کم کردن مصرف سوخت فسیلی خود اقدام می‌کند. هر یک از افراد برای اینکه چارچوب تکالیف و وظایف خود را بدانند، ملزم به ورود به چارچوب قراردادهای مناسب هستند که می‌بایست این قرارداد همه وجوه قراردادهای عادی را داشته و علاوه بر آن متضمن خصوصیات مختص قراردادهای خدمات انرژی باشد. از خصوصیات عام طرفین، وجود اهلیت و صلاحیت است. اهلیت مختص اشخاص حقیقی و صلاحیت در رابطه با اشخاص حقوقی استفاده می‌شود. از این رو طرفینی که وارد این چارچوب می‌شوند، می‌باید دارای اهلیت یا صلاحیت باشند. در خصوص شرکت‌های خدمات انرژی که وظیفه و تکلیف اجرای طرح بهبود کارایی انرژی را بر عهده دارند علاوه بر صلاحیت می‌بایست در زمانی که طرف قرارداد اشخاص حقوق عمومی واقع می‌شوند دارای رتبه‌بندی سازمان برنامه و بودجه کشور باشند، این موضوع علاوه بر ضرورت درج موضوعات و تعهدات مرتبط با قرارداد در اساسنامه است. آنچه گفته شد، تنها خصوصیات عامی است که عموماً شرکت‌ها دارای آن هستند؛ از سوی دیگر این شرکت می‌بایست توانایی مالی لازم برای اجرای پروژه به‌نحوی‌که بتواند سرمایه‌گذاری کند و سود و سرمایه خود را پس از اتمام سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه و از محل صرفه‌جویی به دست آورد، داشته باشد. فارغ از این روابط طرفین در چارچوب قرارداد عادی دارای مدت زمان، مبلغ، سرمایه‌گذاری مشتمل بر جدول زمانبندی و... است. یک رکن اساسی دیگر نیز وجود

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

دارد که به‌عنوان ناظر طرح اندازه‌گیری و صحه‌گذاری نامیده می‌شود. وجود این ناظر که به‌عنوان یک مرجع حل اختلاف ذاتی، عمل می‌کند این نوع قراردادها را از قراردادهای دیگر متمایز می‌سازد. ناظر اندازه‌گیری و صحه‌گذاری می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی بوده و علاوه بر داشتن صلاحیت/اهلیت باید دارای تخصص لازم هم در این امر باشد. این موضوع پایه قراردادهای خدمات انرژی است که در اصل راه روشن و نحوه حصول صرفه‌جویی و روش‌های اندازه‌گیری میزان صرفه‌جویی را نشان می‌دهد. وجود این رکن می‌تواند از وقوع بسیاری از دعاوی و در نهایت از تطویل قرارداد جلوگیری کند.

هریک از طرفین (به‌جز ناظر) با هدف منفعت وارد این چارچوب قراردادی می‌شوند. از یک‌سو کاربر انرژی (به‌عنوان مثال مجتمع مسکونی) قرار دارد که نهایتاً از منافع حاصل از صرفه‌جویی استفاده می‌کند. از طرفی شرکت خدمات انرژی که دارای تخصص، تجربه و نیز نیروی انسانی کارآمد و بنیه مالی کافی است، قرار دارد. در تعریف رکن سوم می‌توان گفت؛ طرفی که فرایند و روش اندازه‌گیری و صحه‌گذاری را به همراه جزئیات و مفروضات مکتوب و مستند می‌سازد. این شخص به‌عنوان ناظر شناخته می‌شود. از آنجا که در روند اجرای قرارداد بروز اختلاف بر سر موضوعاتی از جمله میزان صرفه‌جویی حاصل شده، محتمل است و با توجه به اینکه مراجعه به مراجع قضایی مستلزم صرف هزینه قابل توجه و زمان‌بر است؛ از این رو می‌توان با تکیه بر وجود ناظر در قراردادهای خدمات انرژی از اختلاف‌ها، ایجاد تأخیرها و نهایتاً ادعاهای طرفین، جلوگیری کرد؛ اما این موضوع نیازمند نگارش طرحی جامع و مانع در خصوص اندازه‌گیری و صحه‌گذاری است؛ به‌نحوی‌که در این راه بدون وجود هرگونه ابهام بتوان با استناد به آن ناظر نسبت به حل اختلاف اقدام کند. این موضوع را حداقل می‌توان در قراردادهای خصوصی به‌عنوان شخص سوم به‌عنوان ناظر بر قراردادهای عادی به‌منظور رفع اختلاف‌های فی‌مابین استفاده کرد. عموم ماده ۱۰ قانون مدنی حداقل در خصوص طرف خصوصی می‌تواند راهگشای حل اختلاف در این قراردادها باشد اگرچه نیاز به سازمانی مستقل که بتواند خارج از مراجع قضایی با دقت و سرعت و تخصص لازم، اختلافات ارجاعی طرفین را حل و فصل کند، ضروری به نظر می‌رسد[۱].

۱. نمونه قرارداد بهبود کارایی انرژی- آب- وزارت نفت، ص ۸.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

۷- اثر حضور ناظر در جذب سرمایه‌گذار

یکی از موارد عموماً مورد اختلاف بین طرفین، نحوه حل اختلاف قراردادی است همان‌طور که پیشتر گفته شد این مقاله بر آن بود که وجود ناظر را از جنبه عدم ایجاد اختلاف و در نتیجه حل اختلاف بنیادی در قرارداد بررسی نماید. وجود ناظر در این نوع از قراردادها به‌عنوان شخص ثالث که از جنبه‌های فنی و مالی و بررسی و اعلام نظر نسبت به صرفه‌جویی حاصل اقدام می‌نماید، سرمایه‌گذاران را می‌تواند ترغیب به سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا این شخص از کارفرما تبعیت نکرده و دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در چارچوب دستورالعمل‌های مربوطه اقدام به بررسی و اعلام نظر می‌نماید که این خود اطمینان به بازگشت سرمایه و سود حاصل را برای سرمایه‌گذار تضمین می‌دارد.

هدف از سرمایه‌گذاری بازگشت سرمایه به همراه سود مربوطه است در موضوع حاضر، وجود شخص ثالث که دارای تخصص و شخصیت حقوقی مستقل است می‌تواند عامل مثبت در جذب سرمایه‌گذاری گردد، به این علت که سرمایه‌گذاران عموماً تنها در زمانی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند که بازگشت اصل سرمایه و منافع آن را با کمترین ریسک میسر و قابل حصول بدانند که با وجود ناظر و دستورالعمل مربوطه این مهم به انجام می‌رسد.

۸- نتیجه‌گیری

در قراردادهای خدمات انرژی علاوه بر کاربر انرژی و شرکت خدمات انرژی، رکن سومی وجود دارد که از آن به‌عنوان ناظر اندازه‌گیری و صحه‌گذاری یاد می‌شود. وجود رکن اندازه‌گیر و صحه‌گذار در قراردادهای خدمات انرژی می‌تواند از بروز اختلافات فیمابین قرارداد جلوگیری کند و همین موضوع ما را به این موضوع آگاه می‌کند که وجود مراجع تخصصی بی‌طرف در هریک از انواع قراردادها که با استفاده از کارشناسان متخصص و مجرب و با تکیه بر دستورالعمل‌های صحیح و منطبق با قانون در رفع اختلافات حاصل به‌سرعت و دقت اقدام کند، می‌تواند در سرعت اجرای پروژه و رفع ادعاهای طرفین در طول اجرا یاری‌گر باشد. از سویی ایجاد رکن سوم به‌عنوان ناظر در

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

تمامی قراردادها و لحاظ آن در شرایط عمومی می‌تواند در عملیاتی شدن این امر نقش به سزایی ایفا کند و این امر خود می‌تواند به جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری بیانجامد.

منابع

ارفع نیا، بهشید و ملاابراهیمی، عماد (۱۳۹۷). حل مسالمت‌آمیز و شرایط جایگزین، روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای نوین بالادستی صنعت نفت و گاز با تأکید بر قرارداد IPC، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۲۰-۲۹۳.

اصلانی، حمیدرضا و علوی، فاطمه (۱۳۹۳). درآمدی بر حقوق حاکم در قراردادهای خدمات انرژی، فصلنامه اقتصاد انرژی، شماره ۱۰، صص ۲۱۷-۱۸۳.

آئینه نگینی، ولی اله (۱۳۹۴). بررسی ضرورت و مراحل تشکیل بازار گواهینامه‌های کارایی انرژی در ایران، پنجمین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی.

بهرامی، الهام و بهبودی، داود و سلمانی بیشک، محمدرضا و شکری، مصطفی (۱۳۹۸) نقش توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر انتشار گاز دی‌اکسید کربن در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۲۵، صص ۱۴۱-۱۲۵.

توکلی، آزاده (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر انتشار گازهای گلخانه‌ای (GHGs) و پتانسیل‌های کاهش انتشار در ایران، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۶۰، ۷۷-۱۰۵.

حوری جعفری، حامد و قائم مقام فراهانی، کتایون (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی قراردادهای خدمات انرژی در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۶۱، صص ۱۵۵-۱۲۵.

شیروی، عبدالحسین و عبداللهی، محمد جواد (۱۳۹۷). حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بازرگانی به روش شبه دادرسی، نشریه مطالعات حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۸، ایران، تهران، صص ۱۸۸-۱۶۳.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

صادقی، هادی و رشیدی نژاد، مسعود و عبداللهی، امیر (۱۳۹۳). ارزیابی اقتصادی – اجتماعی افزایش درصد نفوذ منابع انرژی تجدیدپذیر تحت سیاست‌گذاری‌های بخش انرژی، بیست و نهمین کنفرانس بین‌المللی برق، تهران، ایران.

علوی، سید محمدتقی ابراهیم پور اسنجان، عادل (۱۳۹۳). روش‌های نظارتی بر نحوه ارجاع اختلافات اموال عمومی و دولتی به داوری، مطالعه موردی قراردادهای حوزه نفت و گاز، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۴، صص ۷۳-۴۹.

فولر، کیمبرلی (۱۳۹۵). قراردادهای صرفه‌جویی انرژی: کاربردها و تحلیل‌ها، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و قیمت‌ها، ترجمه: وکیلی، علی، حوری جعفری، حامد و روشن‌تر، بابک و مهدی نژاد، آذرمیدخت، انتشارات پلیکان، چاپ اول.

کاظمی نجف‌آبادی، عباس و دودابی نژاد، امیر (۱۳۹۵). ماهیت قراردادهای مبتنی بر عملکرد انرژی (خدمات انرژی)، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، شماره ۴، صص ۱۷۸-۱۴۳.

گرامی، مریم و کرمی، مهدی (۱۳۹۰). مالیات سبز در کشورهای توسعه‌یافته، نشریه مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۳ و ۴، صص ۱۳۴-۱۲۵.

مبارکی، مصطفی و عمادزاده، محمد کاظم (۱۳۹۶). مراجع ذیصلاح داوری و دادرسی در قراردادهای اداری و نفتی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲، صص ۱۸۹-۱۵۰.

نودل، توحید (۱۳۹۱). آشنایی با مکانیزم توسعه پاک مخصوص شهرداری‌ها، کار تحقیقی با حمایت شرکت انرژی‌های تجدیدپذیر مهر، صص ۴۴-۱.

هاندریش، لارس و نیومان، فرانسیزکا و اشتول، یولیوس (۱۳۹۸). مروری بر سازوکارهای مبتنی بر بازار بهینه‌سازی انرژی در جهان، وزارت حفاظت از محیط‌زیست آلمان، ترجمه: پروژه REEMA، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایران را در راستای ایجاد و توسعه ساز و کار بازار متمرکز بهینه‌سازی انرژی. صص ۶۶-۲.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۰). مطالعه‌ای بر میانجی‌گری به‌عنوان روش دوستانه حل و فصل اختلافات، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۱۲۳-۱۲۰.

منظور، داود و مهدی، اصغر آقا و امانی، مسعود و کهن هوش نژاد، روح اله (۱۳۹۵). تحلیل ماهیت قراردادهای بالادستی صنعت نفت از منظر فقه امامیه، دو فصلنامه علمی – پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۲، صص ۸۰-۷۷.

آریان کیا، رضا (۱۳۸۸). شروط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال ۲۶، شماره ۴۱، ص ۲۱۴-۱۹۷.

Dreessen, T. (2003). Advantages and Disadvantages of The Two Dominant ESCO Models; Shared Savings and Guaranteed Saving, Proceedings of the First Pan European.

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]

Examining a Special Methodology for Resolving Contractual Disputes Arising from Application of Article 12 of the Law on Elimination of Barriers to Production and their Effect on Attracting Investment

Mohammad Reza Nouredideh*
MA in (Private Law), Nouredieh@gmail.com

Reza Tajarlou1
Assistant Professor of Political Science, University of Tehran,
rtajarlou@ut.ac.ir
Received: 2020/04/18 Accepted: 2021/05/02

Abstract

One of the main issues in Iran is energy efficiency. After announcement of Article 12 of the Law on Elimination of barriers to production, some public companies, such as IFCO, partner with the private sector in entities such as the Energy Services Company to implement Article 12 of the Law on Elimination of barriers to production. Special legal provisions should be foreseen for dealing with contractual issues that can arise in contracts related to Article 12. This is necessary as usual dispute resolution mechanisms such as arbitration or litigation are costly and time consuming. We suggest that disputes be resolved through intervention of a technical supervisor. This method reduces the cost and time of decision making and increases investor's willingness to invest.

JEL Classification: K11, K12, K16, L24, N2

Keywords: article 12 of the law on elimination of barriers, contract article 12 of the law on elimination of barriers-ways for dispute settlement, energy service company, referring disputes to a supervisor

*. Corresponding Author

[Downloaded from iiesj.ir on 2026-10-30]